



ماہنامہ دانشجو ویب تحریر دانش گاہ فرهنگیان
T A H R I R



معنا مانگا



معلم مکتب سلیمانی

دانشجو معلم شهیدہ فائزہ رحیمی



معلم مکتب سلیمانی

دانشجو معلم بسیجی و فعال فرهنگی

شهیده فائزه رحیمی



نامه شهیده فائزه رحیمی به مقام معظم رهبری:

از زمانی که شما را شناختم و علاقه قلبی به شما در قلب و اندیشه‌ام ریشه دواند، سربازتان شدم، دانشجو شدم، معلم شدم و اکنون بخشی از جمعیت بزرگ بی‌نهایت‌م و در تک‌تک این عناوین، آرزوی دیدار شما را در دل داشته‌ام.



تخمس





معلم ماندگار

سخن از عشق است! از دلدادگی ست! از ورق زدن احوال زمان! و از نگاه بی‌کرانگی ست! سخن از توست!

از بانوی سرای بندگی! آنکه رسم الخط خون مشق رویایش بود و چه زیبا دفتر زندگانی اش را به نقوش عشق مزین ساخت. او دردانه یک مکتب شد، در محفل خاک و خون، دیار کرمان! فائزه نامش بود و راهش از کرسی فائزه‌ها می‌گذشت. دختر ۲۰ ساله‌ای که جرعه جرعه عطش نوشید تا ورای یک دیدار در آغوش حاج قاسم فرمانده‌اش، آرام گیرد.

گویند او مسئول کاروان خویش بود اما مگر یک فرمانده کار را ناتمام رها می‌کند؟ مگر یک دوست خدا حافظی‌اش را در سرخی خون ادا می‌کند؟ خیر... داستان انفجار تاریخ حیاتش را جلو برد و او را فائزه جاودان نامید!

فائزه جانم! شاید اگر در آینده‌ای دور گرمای حضورت را کنار خود تجربه می‌کردم هیچگاه آنقدر که امروز می‌شناسمت، تو را نمی‌دیدم و نمی‌فهمیدم. نمی‌دانم زیستن یک آرزوی دیرینه چقدر شیرین است اما چشیدن طعم شیرین شهادت بسی زیباست! آرزویی که درس‌ها پس داد. ترم ۵ بودی و هنوز خط‌خطی جزوه‌هایت سیاهی قلم داشتند و حرف‌ها و نگفته‌های عظیم! هنوز دانشجو معلم بودی و جویای دانش!

چه زود مسیر اخلاصت به آخر رسید و پیمان‌ه ادب‌ت لبریز گشت... مگر قالیچه سلیمان داشتی که راه صدساله را یک شبه پیمودی و دوشادوش سردار دل‌ها، اشک

دیدی و دل‌ها بردی؟! حتی قاب عکست هم سخن از مسیر دلدادگی داشت! از ولایت تا شهادت!!! چه داستان زیبا و چه ملودی آرامی.

هرگز ندیده بودمت! امری طبیعی ست. من مشهد و تو تهران! فرسنگ‌ها فاصله. اینکه بین تو و ضامن آهو چه گذشت نمی‌دانم! اما او دگر بار بشد ضامن خوشبختی یک قلب رفیع. آرزویت را دورا دور شنید. ژرفای نگاهت را دید و عاقبت خیر را برایت طلبید و تو در صحن حریم ملکوت، طواف عاشقی کردی! جان دلم! چه‌ها کردی؟ هنوز معلم نشده تدریس یک مکتب را در مسیر پر افتخار شهادت به جان چشیدیو خون نوشیدی و مقام پوشیدی! سلام مارا به مادرمان زهرا برسان که پیام برگزیده زهرا، فائزه‌وار فضیلت دارد. به امید دیدار...

■ فاطمه صفرپور خینعرب

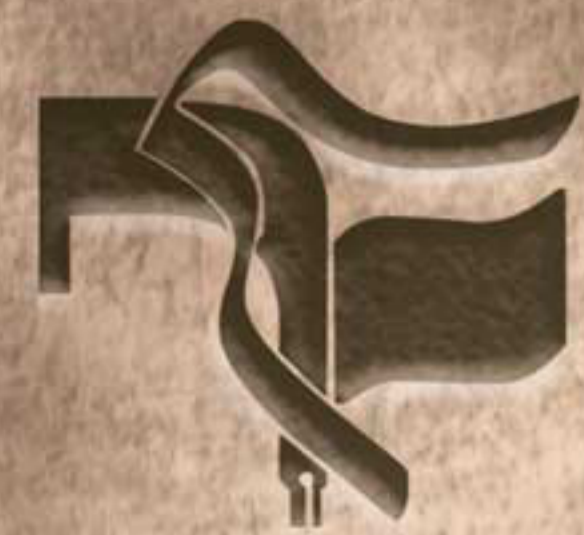




نشریه دانشجویی تحریر

معاد مانگا

رادیو تحریر



تحریر

نویسنده:

فاطمه صفرپورخینعرب

گوینده:

فائزه نظری



تدوینگر:

بهار رضا زاده





تا حالا شده یک اتفاقی بیفتد و تو با خودت بگویی اگر من اون کارو میکردم اینطور نمیشد.. الان دیگر وقت افسوس خوردن نیست! و از حالا به بعد، نگذار این اتفاق بیفتد و بدان که اگر حالا کاری کردی، مثل این است که حاج قاسم و دختری که از نسل حاج قاسم است را زنده کرده‌ای و مانع مرگ آن‌ها توسط دشمن شده‌ای. ای دوست من! پس به خودت باور داشته باش و بیا با هم دست به کار شویم و ماجرای را در تاریخ رقم بزنیم؛ الان است که ماهی‌های رودخانه ما تازه‌اند و اگر دیر بجنبیم، نوش دارو بعد از مرگ سهراب می‌شود... و از اینجا به بعد، دیگر وظیفه ماست که از کشور دفاع کنیم؛ چرا که حضرت امام، سالها پیش گفتند: «فرزندان من و ایران در گهواره‌اند و آن‌ها از کشور

دفاع می‌کنند و ما آن فرزندان

هستیم که حالا بزرگ شده‌ایم.

نمی‌دانم چه حکمتی در کار است. اما با وجود تمام ندانسته‌هایم، می‌دانم که با رفتن هزاران حاج قاسم را متولد کرده‌ای. فائزه جان، شهادتت را تبریک می‌گویم و این را می‌دانم که تو یک سر و کلاه از ما جلوتر افتادی؛ سر و کلاهی که نصیب هر کسی نمی‌شود و هیچ جوره نمی‌توان فقدان آن را جبران کرد مگر با شهادت! نمی‌دانم، شاید ما لایق نبودیم. بین خودمان بماند. شهادتت از یک جا قلبم را فشرد و از یک جا اشک شوق را در چشمانم جاری ساخت و بدان اگرچه در سکوت و آرامش رفتی اما یادت مانع آرامش دشمن است و ما همیشه این یاد را زنده نگه می‌داریم. بعضی وقت‌ها

باید ضرب المثل‌ها را طور دیگری

گفت؛ اینکه ماهی را هر وقت از آب

بگیری تازه نیست!

■ فرناز نصیری



راديو تحریر

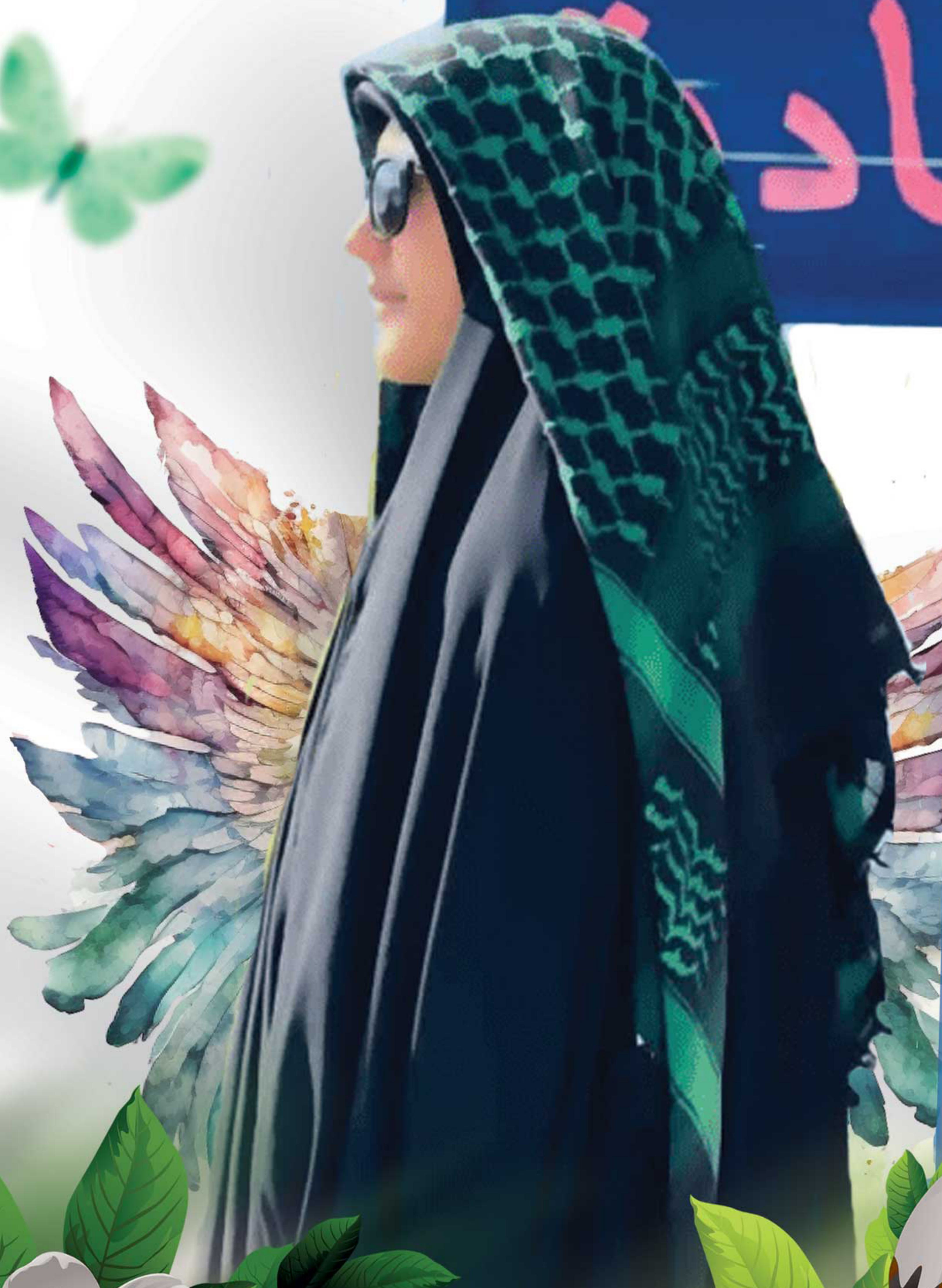
■ نویسندہ : آلاء

■ گویندہ : فاطمہ قربانی

■ تدوینگر : زہرا ہاشمی نژاد



با ولایت تأشہاد



شاگردان خوب حاج قاسم

بی خیال از زخم باشد هر که جان آسوده است
زخم بر دل های عاشق عین مرهم بوده است
میل قربانی شدن دارند در جان عاشقان
حضرت معشوق آنان را چنین فرموده است
خوانده مرغان سبکبال هوا را تا به عرش
کی سزای مرغ حق ماندن در این محدوده است؟!
از نخستین لحظه های قصه ی دلدادگی
عاشقان را شوق شیرین شهادت بوده است
عاقبت در محضر حق می دهد روزی جواب
هر که دستانش به خون بی کسان آلوده است
داشته حتما به دل شوق سلیمانی شدن
هر که تا کرمان مسیر وصل را پیموده است
تا خدا بر روی دستان ملائک می برند
هر که را شاگرد خوب حاج قاسم بوده است

■ احمد رفیعی وردنجانی



ویژه نامه

معماری ماندگار

نشریه فرهنگی، سیاسی و اجتماعی تحریر

دی ماه ۱۴۰۲

